

## مجله‌ی مطالعات ایرانی

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال نهم، شماره‌ی هفدهم، بهار ۱۳۸۹

### پوشش زنان در ایران پیش از اسلام\*

دکتر احمد جمالی زاده

استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

#### چکیده

مطالعه در زمینه‌ی پوشاک زنان در ایران پیش از اسلام از منابع تاریخی به تفکیک دوره‌های مختلف حکومتی به منظور نمایاندن نوع پوشش، هدف این مقاله است که با روش تحقیق کتابخانه‌ای به اسناد و مدارک تاریخی که به توصیف و تحلیل پوشش زنان در ایران قدیم پرداخته‌اند، مراجعه شده است. آنچه از این پژوهش دریافت می‌شود، اینکه پوشش زنان ایرانی از پشوانه و زمینه‌های اخلاقی، دینی و اجتماعی برخوردار بوده است. با وجود تفاوت‌های اقلیمی در طی زمان‌ها و تحولات اجتماعی و حکومتی تقریباً از وضعیت یکسانی برخوردار بوده است و عموماً این پوشش فراگیر و نسبتاً کامل و گشاد و یکنواخت بوده است و نشانه‌هایی وجود دارد که نوعی پوشش که بی‌شبهت به چادر امروزی نیست، در میان زنان ایرانی رایج بوده است و حجاب در طبقه‌ی زنان اشراف و حکومتی شدیدتر از حجاب در زنان معمولی بوده است.

#### واژگان کلیدی

ایران قدیم، پوشش، زنان، چادر.

\* تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۳/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۱۵

نشانی پست الکترونیک نویسنده: ahmad.jamalizade@gmail.com

## ۱- مقدمه

انسان در آغاز از برگ درختان یا پوست حیواناتی که شکار می کرده، قسمت هایی از بدن خود را می پوشانده است (یکتایی، بی تا، ص ۴۵). به تدریج با شکل گیری زندگی جمعی و توجه به جنبه های اخلاقی و به کارگیری نیروی خلاقیت، تن پوش ها شکل کامل و زیباتری پیدا کرده است.

در مجموع، عواملی مانند اقلیم، آب و هوا، سرما و گرما، جنسیت، کار و پیشه، موقعیت اجتماعی، اخلاق و فرهنگ، دین و مذهب، معنویت گرایی، پیشرفت و تمدن بر تنوع بخشی در لباس و پوشاک مؤثر بوده است. پوشاک در ایران زمین به اعتبار این که مردم آن از زمینه های فرهنگی، اخلاقی، معنویت گرایی و دینی و تمدنی برخوردار بوده اند، پیشینه ای تاریخی و طولانی دارد.

از زمان پیدایش انسان در هزاره ی پنجم (پیش از میلاد) به بعد آثاری از معشیت وی در جای جای فلات قابل ردیابی است، از جمله تپه گیان در نهاوند و سیلک در کاشان، چشمه علی در منطقه ری و تپه حصار در دامغان رد پای انسان را در حوزه ی ولایات ماد نشان می دهد (زرین کوب، ۱۳۷۴، ص ۲۵).

نمونه های باستانی از ابزار نساجی در کشفیات حفاری شاهد بر پیشینه ی لباس در ایران است. به عنوان نمونه، تعداد قابل ملاحظه ای از حلقه های دوک که از گل رُس پخته یا سنگ که در سیلک کاشان به دست آمده، نشانه ی آن است که انسان قدیم مبادی صنعت نساجی را شناخته است. شاید قدیمی ترین محل سکونت بشری که در ایران شناخته شده، سیلک نزدیک کاشان در جنوب تهران است (بیات، ۱۳۵۵، ص ۷).

قدیم ترین مجسمه ی انسانی که در فلات ایران پیدا شده، مجسمه ی کوچکی است که از جنس استخوانی است به جای دسته ی چاقو به کار می رفت و متعلق به ۴۲۰۰ سال قبل از میلاد است و در حفاری های کاشان یافت شده. لباس این مجسمه منحصر به لنگی پارچه ای است که به کمر خود بسته و بسیار ساده دور کمر خود پیچیده است (مشیرپور، ۳۴۶، ص ۱۲).

این مقاله در پی آن است که نگاهی اجمالی به پیشینه ی پوشاک زنان در ایران قبل از اسلام داشته باشد و زمینه های فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی آن را ببیند و نوع نگاه و نگرش جامعه ی آن روز ایرانی را به این موضوع بیان دارد.

به طور کلی اسناد رسمی مربوط به گذشته‌ی باستانی ایرانیان از عهد فرمانروایی پادشاهان ماد و پارس تا روزگار اشکانیان و ساسانیان عبارت است از کتیبه‌ها، سنگ‌نبشته‌ها، الواح، مَهرها، ظروف و اشیای تزئینی، ویرانه‌های به جا مانده، نوشته‌های نویسندگان یونانی و رومی (هرودوت و گزنفون) و احياناً آنچه نویسندگان سریانی و ارمنی در مورد روابط و جنگ‌های اقوام خود با ایران نوشته‌اند و آنچه در اوستا و خدای نامه‌ها و متون ادبی و تاریخی بعد از دوره‌ی اسلامی آمده است. اما تحقیق پیرامون لباس زنان در ایران قبل از اسلام در دوره‌های مختلف به ادله‌ی گوناگون با محدودیت جدی روبروست.

اطلاعات دقیق در باره‌ی پوشاک زنان در دوره‌ی بابلیان و آشوریان در دست نیست؛ چرا که زندگی زنان در انزوا می‌گذشت (کاکس، ۱۳۷۲، ص ۳۶).

هم‌چنین محدودیت آثار به جا مانده از لباس زنان دوره‌ی ساسانیان (۶۵۱-۲۲۴ میلادی) در قیاس با لباس مردان، تحقیق در این خصوص را با مشکل مواجه ساخته است (ایرانیکا، ۱۳۸۲، ص ۸۳).

با توجه به منابع، مدارک و مستندات تاریخی، حجاری‌ها، سنگ‌نبشته‌ها، نقوش برجسته، متون تاریخی و ادبی، اطلاعات اندکی در مورد پوشش زنان طبقات پایین اجتماعی در دوره‌ی ساسانیان به دست می‌دهد، اغلب آثار مربوط به الهه‌ها و ملکه‌ها می‌باشد (همان، ص ۸۶).

با وجود این محدودیت‌ها، با مراجعه به منابع تاریخی‌ای که راجع به پوشاک مردم ایران زمین نوشته شده، می‌توان به گوشه‌هایی از نوع لباس زنان در ایران قبل از اسلام پی برد.

تحقیق و پژوهش راجع به پیشینه‌ی پوشش زنان در آن دوران تاریخی از آن جهت مهم و ضروری است که بدانیم پوشش علاوه بر کارکردهای مختلف حفاظتی در مقابل سرما و گرما که در همه‌ی جوامع کم و بیش مرسوم بوده، بیانگر هویت ایرانی، فرهنگ و اندیشه‌ی اجتماعی و اخلاق خانوادگی مردم این سرزمین کهن و ریشه دار است، موضوع پوشاک در ایران پشتوانه‌ای فرهنگی دارد و به عنوان عادت‌ی دیرپا و جریانی تاریخی و نمادی از فرهنگ ایرانی از پیشینیان به ما منتقل شده و میراثی ماندگار است که از پشتوانه‌ای ملی برخوردار است و در دوره‌های بعدی با آموزه‌های اسلامی تعدیل و تثبیت شده است.

در فرهنگ پوششی ایل نشینان نه فقط زنان به حفظ حجاب و پوشیدن لباس‌های بلند ملزمند، بلکه مردان نیز البسه‌ی گشاد و ساتر به تن می‌کنند و حتی بی‌کلاهی را نیز که خود کنایه از سربستگی و پیوستگی و در پرده بودن است، برای مردان عیب و عار می‌شمارند (شعبانی، ۱۳۷۳، مقدمه ص ۱۶).

## ۲- پوشش و تمدن

پوشاک بر مبنای تفکرات و نیازهای اقلیمی، مادی و معنوی اقوام به وجود آمده و آینه‌ی تمام‌نمایی در تاریخ زندگی بشر است (کاکس، ۱۳۷۲، ص ۳۶). تمدن هر ملتی در هر زمان زاده و ساخته نیازمندی‌های زندگی، هنری و نشان‌دهنده‌ی رشد و فرهنگ است (یکتایی بی تا، ص ۸۸).

تاریخ لباس بخشی از تاریخ تمدن است (مشیرپور، ۱۳۴۶، ص ۵).

پیشینه‌ی پوشاک و تنوع در آن در میان ملت‌هایی که از سابقه‌ی تمدنی روشن‌تر برخوردارند، دیرینه‌تر می‌نماید. ویل دورانت هنگامی که از عوامل پدید آورنده‌ی تمدن بحث می‌کند، در ضمن بر شمردن عوامل اخلاقی تمدن، از نظام خانواده و پوشش، در ضمن عوامل اخلاقی تمدن بشری بحث می‌کند و در اهمیت و جایگاه آن می‌نویسد: نخستین وظیفه‌ی آداب و تقالید اجتماعی که سازنده‌ی قوانین اخلاقی هر اجتماع است، آن است که روابط بین دو جنسیت مرد و زن را بر پایه‌ی متین استوار سازد اساسی‌ترین عمل تنظیم این روابط همان زناشویی است که می‌توان آن را به عنوان اتحاد یک جفت زن و مرد برای بهبود پیشرفت نسل آینده تعریف کرد (ویل دورانت، ۱۳۴۳، ج ۱، ص ۵۷).

این روابط در میان مردم ابتدایی به صورت نظم خانوادگی و اتحاد در زندگی نبود. وی از قبایل و مردم جزایری نام می‌برد که رفتار زناشویی آن‌ها تابع سازمان و نظام خانوادگی نیست و می‌نویسد: روابط جنسی در میان ملل ابتدایی تا حدود زیادی آزاد است (همان، ج ۱، ص ۶۹).

در مقام برشمردن تمدن و فرهنگ در مصر قدیم و ارتباط آن با پوشش می‌نویسد: در مصر قدیم بر لباس پوشیدن انواع تطور و تکامل گذشته و از برهنگی ابتدایی تا با شکوه‌ترین لباس‌های دوره‌ی امپراطوری در آن مشاهده می‌شود. در آغاز کودکان پسر و دختر تا سیزده سالگی سر تا پا برهنه بودند و جز گوشواره و گردنبند هیچ چیز با خود نداشتند، ولی دختران شرم داشتند و به کمر گاه خود کمربندی از مروارید و

خر مهره و نظایر آن می‌آویختند در دوره‌ی سلطنت قدیم مردان و زنان در کوچه و بازار تا نافگاه برهنه بودند و لنگ کتاهی از پارچه‌ی سفید تا بالای زانو می‌پوشانیدند (همان، ج ۱، ص ۲۵۴).

به هر دلیل ویل دوران‌ت عقیده دارد: حیاء و عفت و پرده نشینی در جوامع ابتدایی نبوده است و شرم و حیاء را در مورد ملل ابتدایی و برای ملل آفریقایی انکار می‌کند و نمونه می‌آورد که:

هنوز قبایل فراوانی هستند که از برهنه بودن تمام بدن خود خجالت نمی‌کشند (همان، ج ۱، ص ۷۲).

پوشاندن تن و حفظ حریم آن در پیشینه‌ی تمدن بشری عمومیت داشته و با مطالعه‌ی آثار و تمدن‌های مختلف چنین به نظر می‌رسد که زن بنا به موقعیت و جایگاه تمدنی هر جامعه، اعتبار اخلاقی داشته و پوشش زنان از عادت‌های قدیمی تمدن‌های بشری است. البته در قبایل وحشی و غیر متمدن حجاب و حتی پوشش بدن زنان وجود نداشته است، لکن در اقوام متمدن روی حس‌زیبایی و تجمل‌دوستی یا حفظ حریم زندگی خصوصی زنان خود را می‌پوشیده‌اند.

ویل دوران‌ت راجع به اخلاق و پوشش ایرانیان می‌نویسد:

ایرانیان زیباترین ملت‌های خاور نزدیک در روزگارهای باستانی بوده‌اند. مردمی میانه‌بالا و نیرومند و با صلاحیت و دارای لطافت طبع بوده‌اند. در اندام و هیئت ایشان آثار نجابت مشهود بوده است. غالب ایشان لباس‌هایی مانند لباس‌های مردم ماد بر تن می‌کردند و بعد‌ها خود را به زیورآلات مادی نیز می‌آراستند. به جز دو دست، باز گذاشتن هر یک از قسمت‌های بدن را خلاف ادب می‌شمردند و به همین جهت، سر تا پای ایشان با سربند و کلاه تا پاپوش پوشیده بود (همان، ج ۱، ص ۵۲۴).

در این سخن جنبه‌های اخلاقی و نجابت و پوشیدگی بدن از ویژگی‌های انسانی قوم ایرانی یاد شده، زیرا لباس پوشیدن شأنی از شئون انسان است و در هر تمدن رابطه‌ی مستقیمی با معنای انسان و تعریف انسان در آن تمدن دارد (حداد عادل، ۱۳۵۹، ص ۲۷).

با ورود انسان به زندگی اجتماعی و توسعه‌ی فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و شکل‌گیری عقاید دینی و مذهبی که مؤلفه‌های سازنده‌ی تمدن بشری می‌باشند. پوشاک، نوع رنگ، جنس، شکل و سبک دوخت تن‌پوش‌ها زمینه و رنگ فرهنگی یافت و کارکرد اجتماعی و فرهنگی نمادین آن برجسته شد.

### ۳- جنبه‌ی فرهنگی پوشش

فرهنگ عبارت است از کلی‌ترین بینش و نگرشی که یک جامعه نسبت به جهان دارد. این بینش و نگرش همان معنایی است که آن جامعه برای هستی و انسان قایل است و به اندازه‌ای کلی و جهان‌شمول است که همه‌ی ارزش‌ها و روش‌های فرد و اجتماع را در بر می‌گیرد (همان، ص ۷).

سخن بر سر این مطلب است که اختلاف بین تن‌پوش‌های مردم جوامع مختلف، گذشته از خصوصیات جغرافیایی، اقلیمی، عوامل اجتماعی و اقتصادی، حرفه‌ای، جنسیت و سنّی ناشی از فرهنگ و جهان‌بینی آن جامعه نیز هست. انسان بسته به اینکه برای جهان چه معنایی قایل است، خود را چگونه بشناسد، چه سرنوشتی برای خود تصور کند و سعادت خود را در چه بداند، لباس پوشیدنش تفاوت می‌کند (همان، ص ۸).

پوشش یک نماد فرهنگی و ارتباطی در میان مردم یک جامعه است و مجموعه‌ای از علایم و نشانه‌هاست و دارای معنا و مفهومی است که بیانگر رفتارهای اجتماعی و فرهنگی و نظام‌های دینی و عقیدتی مردم آن گروه و جامعه است و باز نمود ارزش‌هایی است که نقش مهم و برجسته‌ای در نگه‌داشت هویت اجتماعی و فرهنگی مردم جامعه ایفا می‌نماید (ایرانیکا، ۱۳۸۲، مقدمه، ص ۱۷).

لباس نه تنها تحت تأثیر فرهنگ جامعه است، که معرف شخصیت تک‌تک افراد نیز هست و میان شخصیت افراد و فرهنگ عمومی جامعه نیز ارتباطی قوی وجود دارد (حداد عادل، ۱۳۵۹، ص ۴۴).

در جامعه‌هایی که مردم در رفتارهای اجتماعی و فرهنگی و دینی از الگوهای مشترک و یکسانی پیروی می‌کنند، تکثر و تفتنی در پوشاک مردم آنها وجود ندارد (ایرانیکا، ۱۳۸۲، ص ۲۰).

بنابراین، پوشش بیانگر نوع فرهنگ و نگرش انسان به خویش است و امروزه ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی مردم در هر جامعه‌ای در نوع پوشش و لباس آنها تبلور می‌یابد. با توجه به این اصل، به خوبی قابل درک است که چرا بعضی در مقابل تغییر لباس مقاومت می‌کنند و سنّت خود را در نوع لباس حفظ می‌کنند؛ چرا که تغییر لباس همواره پیامد تغییر یک فرهنگ است.

### ۴- پوشش و هویت

هر ملتی دارای هویتی است که با زبان و فرهنگ و آداب اجتماعی و اخلاقی و نظام اندیشگی و عقیدتی شناخته می‌شود، لباس مانند زبان هویت قومی، اجتماعی و

جغرافیایی و وابستگی‌های صنفی، سیاسی، مذهبی، شأن و منزلت اجتماعی و اقتصادی مردم را مشخص می‌کند. الگوی رفتاری و نظام عقیدتی و فرهنگی مردم مبنای نوع پوشاک و تنوع در آن است و از ورای لباس و تن پوش‌ها می‌توان به نوع نگرش و تفکر افراد و وضع پایگاه اجتماعی و گروهی مردم پی برد.

پوشش و لباس همانند رنگ به عنوان یک نماد برای سنت‌های ملی و دینی شناخته می‌شود. پوشش در ابتدا نیاز زندگی بوده یا جنبه‌ی مذهبی داشته، ولی اکنون نماد برای معرفی یک ملت یا طایفه شمرده می‌شود و نماد فرهنگی و هویت ملی یک جامعه است.

بنابر این، هم‌چنان که می‌توان با تغییر زبان یک قوم هویت قومی یا فرهنگی مردم آن قوم را تغییر داد و از میان برد، از راه تغییر لباس اقوام نیز می‌توان از آن‌ها هویت زدایی کرد و شاخصه‌ی قومی و فرهنگی آنان را از میان زدود (ایرانیکا، ۱۳۸۲، ص ۲۰).

ایستادگی بر رعایت حجاب و پایداری در مقابل تغییراتی که اصل آن را متزلزل می‌سازد، در واقع پایداری بر اصالت هویت ملی و فرهنگی است.

## ۵- پوشش و اخلاق

معنویت‌گرایی و پایبندی به اخلاق از ویژگی‌های اصیل مردم مشرق زمین و از جمله ایرانیان است و یکی از مؤلفه‌های سازنده‌ی تمدن در این سرزمین کهن می‌باشد. یکی از بازنمودهای معنویت در شکل و دوخت لباس خود‌نمایی می‌کند که معمولاً تن پوش‌های ایرانیان و از جمله پوشش زنان به گونه‌ای بوده است که تمام اندام‌های تن را فراگرفته و در آن رعایت ادب، وقار و متانت اخلاقی به چشم می‌خورد.

پرهیز از بدن‌نمایی و عریانی و میل به حفظ حریم تن و داشتن احساس شرم و عفت صفت مشترک همه‌ی جامعه‌هایی بوده است که به نحوی دارای معنویت بوده و انسان را فقط جسم و تن نمی‌دانسته‌اند (حداد عادل، ۱۳۵۹، ص ۴۶). نوع جنس و رنگ و طرز دوخت و شکل لباس و فرهنگ واژگان مربوط به تن پوش‌ها با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی، اخلاقی و معنوی مانند شرم و حیاء، وقار و متانت، جاذبه و فریبندگی، عظمت و حقارت، غرور و کبر و فروتنی، جاذبه‌ی جنسی، اهمیت و اعتبار اجتماعی و اقتصادی، سوگ و شادی، فقر و غنا و باورهای دینی - مذهبی و آرمانی در آمیخته‌اند (ایرانیکا، ۱۳۸۲، ص ۱۸).

یکی از موارد بازنمود رابطه‌ی پوشش و معنویت‌گرایی و اخلاقی ایرانیان باستان، پوششی است که خدایان مورد پرستش و الهه‌ها به تن دارند و در حجاری‌ها و نقوش به یادگار مانده است.

در آثار باقیمانده، خدایان مورد پرستش، فرشتگان و پادشاهان دارای لباس چین دار و بالاتنه و یا لباس بلند قبا مانند می‌باشند که تقریباً تمام بدن آن‌ها را پوشیده است (مشیرپور، ۱۳۴۳، ص ۱۵).

رب النوع «آناهیتا» لباسی همچون ملکه‌ای ساسانی در مراسم تحلیف "نرسی" در حجاری نقش رستم به تن دارد. او ملبّس به تونیک آستین دار بسیار نازک است که توسط روبانی در کمر بسته شده است.

در حجاری‌های دوره‌ی ساسانی نوع دیگری از لباس زنان مقدس در صحنه‌ی تحلیف خسرو دوم در طاق بستان نمایان است و در آنجا رب النوع آناهیتا پوشش رویی که بر روی شانه‌ی چپ به شیوه‌ی لباس زن چنگ نواز قرار گرفته، در بر کرده است (ایرانیکا، ۱۳۸۲، ص ۸۸).

هم چنین در محل طاق بستان ردای آناهیتا مثل سایر تصاویر وی پاهایش را می‌پوشاند (همان، ص ۹۰).

## ۶- پوشش در آیین زردشت

فرهنگ ایرانیان باستان بر پایه‌ی آموزه‌های آیین زردشت شکل گرفته است. آیین زردشت بر اصل راستی و درستی و پرهیز از دروغ و تحکیم پایه‌های خانواده و پرورش فرزندان پاک نهاد تأکید فراوان دارد. از این رو، لزوم پوشیدگی زن در آیین زردشت و فرهنگ ایرانیان قدیم مورد توجه و توصیه بوده است.

در خانواده‌های آریایی زن بانوی خانه بود، آریایی‌ها احترام زنان خویش را بیش از سایر اقوام نگاه می‌داشتند (بیات، ۱۳۵۵، ص ۲۵).

مقام زن‌ها نزد آریان‌های ایرانی بهتر از مقام آن‌ها در نزد مردمان دیگر بوده است (پیرنیا، ۱۳۸۷، ص ۲۳).

زن می‌بایست مطلقاً فرمانبردار شوهر باشد، اما با این همه مقامی داشت که از زنان کشورهای دیگر مشرق زمین بالاتر بود (نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۵۳).

هرودوت در باره‌ی زنان ایران در دوره‌ی هخامنشیان چنین می‌نویسد:



"باید اعتراف کرد که زنان بسیار فعال و مصمم‌اند و از خود اثر خوب به جا می‌گذارند. در آیین زردشت زنان مورد احترام بوده و با مردان زیاد فرقی نداشته‌اند. زردشت "آناهیتا" را محترم دانسته، مانند مهر در این آیین، زنان همه جا با مردان همراهند، به خصوص سفارشات جهت بانوان و دختران و کنیزان جوان نموده است که به همان نحو جهت مردان نیز دستوراتی آمده است (استاد ملک، ۱۳۶۷، ص ۱۵).  
ویل دورانت در اهمیت تشکیل خانواده و اهمیت ازدواج نزد ایرانیان که پیرو آیین زردشت بودند، می‌نویسد:

شریعت زردشت چنان نبود که بی شوهر ماندن و زن نگرفتن دوشیزگان و پسران عزب را تشویق کند، اوستا در این باره چنین می‌گوید:

"مردی که زن دارد، بر آن که چنین نیست، فضیلت دارد و مردی که خانواده‌ای را سرپرستی می‌کند، بر آن که خانواده ندارد، فضیلت دارد و ثروتمند برتر از مردی است که ثروت ندارد." خانواده در نظر آنان مقدس‌ترین سازمان اجتماعی به شمار می‌رفت (ویل دورانت، ۱۳۴۳، ج ۱، ص ۵۵).

زردشت با توصیه‌ها و اندرزهای خود کوشیده است تا پایه‌های حجاب را در فرهنگ و عمق روح زنان ایرانی مستحکم سازد و جامعه را در مقابل انحراف‌های اخلاقی بیمه کند. قسمتی از اندرزهای آشو زردشت که به پیروان خود توصیه نموده، چنین است:

"ای نوعروسان و دامادان! روی سخنم با شماست، به اندرزم گوش دهید و گفتارم را به خاطر بسپارید و با غیرت در پی زندگی پاک منش برآیید. هر یک از شما باید در کردار نیک و مهرورزی بر یکدیگر پیشدستی جوید تا آن زندگانی مقدس زناشویی با خوشی همراه باشد. ای مردان و زنان راه راست را دریابید و پیروی کنید. هیچ گاه گرد دروغ و خوشی‌های زودگذری که تباه‌کننده‌ی زندگی‌اند، نگردید؛ زیرا لذتی که با بدنامی و گناه همراه باشد، همچون زهر کشنده‌ای است که با شیرینی در آمیخته و همانند خورش دوزخی است، با این کارها زندگی گیتی خود را تباه مسازید.

پاداش رهروان نیکی به کسی می‌رسد که هوا، هوس، خودخواهی و آرزوهای باطل را از خود دور ساخته بر نفس خویش چیره گردد، کوتاهی و غفلت در این راه پایانش جز ناله و افسوس چیز دیگری نخواهد بود.

فریب خوردگانی که دست به کردار زشت می زنند، گرفتار بدبختی و نیستی خواهند شد و سرانجامشان خروش و فریاد و ناله است، ولی زنان و مردانی که به اندرز و راهنمایی من گوش فرا می دهند، آرامش و خوشی زندگی بهره شان خواهد بود و سختی و رنج از آنان دور خواهد گشت و به نیکنامی جاودانی خواهند رسید (یسنا، ص ۵۳ بند ۸-۵)، به نقل از سال نمای ۷۶ از انجمن زرتشتیان ایران، ص (۷۶۰).

در کتاب "وندیداد" این جمله به طور مکرر آمده است "کلام ایزدی است که کردار زشت را نابود می کند، از تو ای مرد! خواهش می کنم پیدایش و فزونی را پاک و پاکیزه ساز! از تو ای زن! خواهش می کنم تن و نیرو را پاک و پاکیزه ساز! آرزو دارم صاحب فرزند باشی و شیر تو فراوان شود (وندیداد، ص ۲۷۵، بند ۱۰).

در اندرز "آذرباد ماراسپند" موبد موبدان آمده است "مرد بد چشم را به معاونت خود قبول مکن (سالنمای ۱۳۷۲ انجمن زرتشتیان، ص ۱۰).

ویل دورانت در مورد جایگاه و موقعیت زنان آن دوره می نویسد:

در زمان زردشت پیغمبر زنان همانگونه که عادت پیشینیان بود، منزلتی عالی داشتند (ویل دورانت ۱۳۴۳، ج ۱ ص ۵۵۱).

با کمال آزادی و روی گشاد در میان مردم آمد و شد می کردند و صاحب ملک و زمین می شدند و در آن تصرف مالکانه داشتند و می توانستند مانند اغلب زنان روزگار حاضر به نام شوهر یا به وکالت از طرف وی به کارهای مربوط به او رسیدگی کنند (همان، ص ۵۵۲).

پاکدامنی در دین زردشت از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار بود و پارسایی مورد تشویق و ستایش بوده است و شرم و حیاء از اندرزهای زردشت است. وی می گوید "ای دختران شوی کننده و ای دامادان! اینک پیاموزم و آگاهتان کنم با غیرت از برای زندگانی پاک منشی بجوید (سالنمای ۷۲ انجمن زرتشتیان، ص ۱۰).

نقاشی های موجود و تصاویر کشف شده از دوران قدیم بیانگر این موضوع است که زردشتیان در طول تاریخ پوشش کامل داشته اند که معمولاً این پوشش برای مردان کلاه و دستار و لباس بلند و شلوار بوده است و برای خانم ها نیز چارقد بوده است که سر آن ها را می پوشانیده است (حمزه، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸).

در متون پهلوی از چادر دست کم در دو مورد ذکری به میان آمده؛ یکی در متن فقهی زرتشتی متعلق به قرن (۴ق، ۱۰م) به نام روایت حمیدی اشاوہشتان<sup>(۱)</sup> که

در آن از چادر همراه با سربند و واشمگ "wasmag" عنوان سربندی زنانه که زنان زردشتی به سر می‌کردند، یاد شده است و دیگری متنی است پهلوی (احتمالاً قرن ۶ م) بر اساس متون اوستا (که گم شده) به نام مادیان یوئیشث فریان<sup>(۲)</sup> در این اثر می‌خوانیم "از هو فریا<sup>(۳)</sup> خواهر یوئیشث<sup>(۴)</sup> که یک زردشتی تورانی و همسر آکست<sup>(۵)</sup> بود و با دین جدید بهی مخالفت می‌ورزید در حالی که روینده‌ای به سر داشته‌اند می‌پرسند خشنودی زنان از پوشاک و خانه‌داری است یا بودن در کنار همسرانشان (ایرانیکا، ۱۳۸۲، ص ۴۲۲).

## ۷- وجه مشترک لباس ایرانیان

لباس اصیل ایرانیان اعم از مرد و زن، شهری و روستایی، درباری و شهریاری، علی‌رغم تفاوت در شکل و رنگ سبک و اندازه وجه اشتراکی میان همه‌ی این لباس‌های مردم ایران وجود دارد، وجه اشتراک همه‌ی آن‌ها بلند و گشاد و معمولاً با سربند و کلاه و دستار همراه است.

اگر به تحقیقات مربوط به پوشاک مردم ایران قبل از اسلام مراجعه کنیم، خواهیم دید که مجسمه‌ها و نقش‌های برجسته و تصاویری که از دوره‌های مختلف ایران قبل از اسلام بر جا مانده، همه نشان می‌دهد که هم پوشاک مردان و هم پوشاک زنان بلند و گشاد است (حداد عادل، ، ۱۳۵۹ ص ۱۰).

لباس زن ایرانی معمولاً از یک پیراهن با رنگ زنده و آستین‌های بلند تشکیل می‌شد. برای پوشیدن سر از یک سربند که در زیر چانه به وسیله‌ی دو بست محکم می‌گردید، استفاده می‌کردند. روی آن سربند یک روسری بزرگ سه متری می‌پوشیدند. این روسری از سرتا روی شانه و پشت گردن را به خوبی می‌پوشانید و گردی صورت و گاهی قسمتی از موی جلوی سر بیرون می‌ماند (استاد ملک، ۱۳۶۷، ص ۴۶).

در این بخش با نگاهی گذرا نوع پوشش زنان ایرانی را در دوره‌های مختلف باستانی مرور کنیم.

## ۸- پوشش زنان نزد سومریان

سومری‌ها از زمان بسیار قدیم که معلوم نیست از کی شروع شده، در مملکتی که از قرن نهم ق. م به بعد موسوم به کلدیه باشد، سکنی داشتند. سومری‌ها در رأس خلیج فارس و طرفین شط العرب می‌زیسته‌اند (پیرنیا، ۱۳۸۷، ص ۲۹).

سومریان پیش از سه هزار سال قبل از میلاد در منطقه‌ی بین‌النهرین می‌زیسته‌اند و فرهنگ و تمدن باستانی آنان پیش از تمدن بابلیان و آشوریان پیشینه دارد.

ویل دورانت راجع به پوشش زنان در آن دوره می‌نویسد:

زنان روپوشی از روی شانه چپ بر بدن خود می‌انداختند و مردان پوشش خود را به کمر می‌بستند و نیمه‌ی بالاتنه‌شان برهنه بود، ولی با پیشرفت تمدن لباس هم بلندتر شد و به جایی رسید که همه‌ی بدن خود را تا گردن با آن می‌پوشانیدند (ویل دورانت، ۱۳۴۳، ج ۱، ص ۱۷۹).

## ۹- پوشاک زنان در نزد بابلیان

بابلیان چهره‌ی سامی داشتند. مشکین موی و سیه چرده بودند. مردان غالباً ریش داشتند و گاهی کلاه گیس بر سر می‌گذاشتند. زن و مرد هر دو گیسوان خود را بلند نگاه می‌داشتند و حتی مردان هم گیسوان خود را فرو می‌ریختند و بیشتر اوقات زن و مرد، خود را با مواد خوشبو معطر می‌ساختند. لباس معمولی هر دو جنس میان بندی از کتان سفید بود که تا نزدیک دوپا را می‌پوشانید و در زنان شانه‌ی چپ برهنه می‌ماند. مردان بر این لباس قبا و عبایی می‌افزودند (همان، ج ۱، ص ۱۸۱).

پوشاک مردم این مملکت (کلده و آشور در بین‌النهرین یعنی سواحل دجله و فرات) انواعی چند داشته، از قبیل قبا و لباده‌ی آستین کوتاه و جامه‌ی دراز سرتا سری. این لباس‌ها را اغلب به چند رنگ می‌بافتند و دست دوزی می‌کردند و ریشه می‌دادند، ولی لباس اصلی‌شان پشمی ریشه‌داری بود که در بدو امر مانند لنگ دور کمر می‌پچیدند، ولی بعدها آن را بزرگتر کرده، تمام بدن را می‌پوشانیدند (آلبرماله، ۱۳۴۵، ص ۶۷).

برای حفظ حریم خانواده مجازات‌های سختی در نظر گرفته بودند. نزد بابلی‌ها مانند همه‌ی کشورهای نظامی در آشور نیز به زیاد شدن نسل اهمیت فراوان داده می‌شد و مقررات اخلاقی و قوانین خاص بر آن وجود داشت. کیفر سقط جنین اعدام بود. هر گاه زنی به شوهر خود دست‌درازی می‌کرد، کیفر سخت می‌دید. از زنان توقع داشتند که به اندازه در نگاهداری ناموس خویش امین و وفادار باشند. اگر مردی زن خود را در جایی می‌یافت که به او خیانت می‌کرد، او را می‌کشت و این برای او حقی به شمار می‌رفت (ویل دورانت، ج ۱، ص ۴۱۱).

## ۱۰- پوشاک زنان نزد عیلامی‌ها

در عهد قدیم عیلام اطلاق می‌شد به مملکتی که از این ولایات ترکیب یافته بود: خوزستان، لرستان (پشتکوه)، کوه‌های بختیاری. حدود این مملکت از طرف مغرب دجله بود، از طرف مشرق قسمتی از پارس، از سمت شمال راهی که از بابل به همدان می‌رفت و از سمت جنوب خلیج فارس تا بوشهر (پیرنیا، ۱۳۷۸، ص ۲۴).

در عیلام مانند سراسر خاورمیانه در روزگاران نخستین حوزه‌ی فعالیت زن محدود به خانه نبود زن نیز مانند مرد اسناد امضاء می‌کرد، به داد و ستد می‌پرداخت، ارث می‌برد، وصیت می‌کرد، دادخواست به دادگاه می‌آورد و برده نگه می‌داشت. با گذشت سال‌ها بر اهمیت زن افزوده شد (کامرون، ۱۳۶۵، ص ۱۸).

کشفیات مربوط به دوره‌ی عیلامی‌های جدید بیانگر نوع پوشش زنان آن دوره است.

تندیس‌های کوچک مفرغی از مردان ریش‌دار و زنان بسیار آراسته در جامه‌هایی که بلندیشان تا قوزک پا می‌رسد، فراوان بودند (همان، ص ۱۵۸).

## ۱۱- مادها و پارس‌ها

مادی‌ها مردانی بودند آریایی نژاد که در ابتدای قرن هفتم ق.م سلطنت ماد را تأسیس کردند؛ چه زمانی این مردم به ایران آمده و در آذربایجان و کردستان امروزی سکنی گزیدند. درست معلوم نیست ظن قوی بر این است که در قرن دهم ق.م آمده‌اند (پیرنیا، ۱۳۷۸، ص ۴۷).

پوشاک ایرانیان در حالی که ادامه‌ی بابلیان و آشوریان بود، خود اشکال گونه‌گونه و قابل توجه داشت. بهترین نمونه‌ی بانوان مادی بر روی جعبه‌ی سیمینی که از گنجینه‌ی جیحون به دست آمده و هم اکنون در موزه‌ی بریتانیاست، دیده می‌شود. به طور کلی از این نقش‌ها پیداست که بانوان جامه‌های بلند و چین‌دار با آستین‌های بلند و فراخ می‌پوشیدند (حمزه، ۱۳۸۵، ص ۱۳۰).

پارسی‌ها نیز مردمانی هستند آریایی نژاد که معلوم نیست کی به ایران آمده‌اند (پیرنیا، ۱۳۸۷، ص ۵۷). پارسی‌ها به وسیله‌ی کوروش دولت ماد را برانداختند و سلسله‌ی هخامنشی را تأسیس کردند. آن‌ها از نظر لباس همانند مادها بودند قوم پارس لباس ماد را اخذ کرد. هرودت می‌نویسد: بنابراین ایشان لباس مادی‌ها را که بهتر از مال خودشان تشخیص داده بودند، اقتباس کردند (هرودت، ۱۳۶۲، ص ۱۰۷). زیرا به

گمان خویش آن را از مال خود زیباتر می دانستند، لباس زیور عبادت بود از قبای بلند ریشه داری که اغلب گل و بوته و نقش در آن می انداختند (آلبرماله، ۱۳۴۵، ص ۱۴۲). حداقل در ابتدای دوره هخامنشی، ملکه های پارسی از انظار به دور بودند "پلوتارک" در شرح پادشاهی اردشیر (۴۰۴-۳۵۹ ق. م.) می نویسد که ملکه "استاتیرا ۲" مورد علاقه ی مردم بوده؛ چرا که پرده های کالسکه ی وی همواره بالا زده می شد. بنابراین، عموم زنان اجازه ی ملاقات و دیدار او را داشته اند. این حقیقت که زنان خاندان سلطنتی در کالسکه های پرده دار حمل می شدند، در مضامین حکایت های ادبی فارسی ریشه دارد و مشهورترین این مضامین داستان ویس و رامین با ارایه ی اسناد تاریخی از عصر پارت هاست. در این داستان ویس نه تنها در پشت پرده نشسته، بلکه نقابی نیز بر صورت دارد (ایرانیکا، ۱۳۸۲، ص ۴۲۱). مردم پارس همچون بسیاری از مردمان روزگاران باستان جامه های بلند و فراخ را می پسندیدند و زنان و مردان پارسی چون از دیده شدن پوست و تن برهنه شان بسیار شرم داشتند و برخلاف یونانیان آن زمان نمایش تن برهنه و بی پوشاک را کاری برخلاف شرم و آزر و بسی زشت و ناروا می دانستند، کوشش داشتند جامه ای بپوشند که بلند و فراخ و پرچین باشد تا گذشته از پوشیده بودن همه ی تن، برجستگی های طبیعی اندام ها نیز پیدا و نمایان نباشد (حمزه، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱).

در نقش هایی که از ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت زنی دیده نمی شود (ویل دورانت، ج ۱، ص ۵۵۲) نقوش زنان مربوط به این دوره (هخامنشی ها) تنها بر مقبره های سنگی ساتراپ های ایرانی داسیلیوم واقع در ارگیلی آناتومی و نیز دریافته ای به دست آمده از "یازیریک" دیده می شود. تنها دو تن پوش رویی کخت و بلند را مطابق با توصیفی که از آنها در تن آنها پیدا شده نشان می دهد. یکی از آنها هم چون قبایی بر روی سر انداخته شده و دومی ظاهراً با کمر بند بسته شده است و دیهیمی کنگره دار نیز دیده می شود (ایرانیکا، ۱۳۸۲، ص ۱۱۵).

## ۱۲- پوشش زنان عهد اشکانی

راجع به نژاد پارتی ها اختلاف نظر وجود دارد. بعضی آنها را از نژاد آریایی می دانستند و برخی از نژاد چینی و مغولی و عده ای هم از اختلاط هر دو ولیکن پس از بررسی در زبان و عادات و اخلاق آنها این عقیده کاملاً قوت یافته که پارتی ها از

آریایی‌های ایرانی بوده‌اند. بنابراین روشن است که نمی‌توان اشکانیان را مردمی با سلسله‌ی خارجی پنداشت (پیرنیا، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰).

زنان به ندرت در حجاری‌های پارتی (حدود ۲۵۰ ق.م تا ۲۲۴ م) به تصویر کشیده شده‌اند، ظاهراً اصل لباس آن‌ها مرکب از تن پوشی است پرچین و بلند با کمربندی در ناحیه‌ی کمر که بر روی قوزک پاها همراه با چین‌های ظریف و فراوان می‌افتاد. جزء دیگر جامه‌ی زنان پوششی بود که عقب سر را می‌پوشاند. چنین پوشش‌هایی در سر تا سر خاور نزدیک و کرانه‌ی اژه از دوره‌ی هخامنشی تا دوره‌ی پارت‌ها رواج داشته است (آلبرماله، ۱۳۴۵، ص ۷۹).

در این دوره نیز همانند گذشته حجاب زنان ایران قدیم کامل بوده است و لباس زنان اشکانی پیراهنی بلند تا روی زمین، گشاد، پرچین و آستین دار بوده و پیراهنی دیگر داشته‌اند که روی اولی می‌پوشیدند و نسبت به اولی کوتاه بوده است و روی دو پیراهن چادری به سر می‌کردند.

از پالمیر نقش سنگی از زنی در موزه‌ی "لوور" هست که عمامه‌ی ای به سر دارد (این نوع عمامه‌ها هم اکنون در لرستان مرسوم است)، چادری گشاد پوشیده با دست چپ قسمتی از چادر را در پایین سینه‌ی چپ خود جمع کرده و با دست راست چادر بخش مقابل صورت را به وضعی مطبوع گرفته است.

هم چنین مجسمه‌ی اشکانی زنی از پالمیر در موزه‌ی دمشق است که پوشش زنان این دوره را به وضعی بسیار روشن‌تر نشان می‌دهد. این بانو نشسته و چادری او را پوشانده است (حمزه، ۱۳۸۵، ص ۱۳۳). چادر زنان اشکالی به رنگ‌های شاد ارغوانی و سفید بوده است، چنانکه در تصویر زمان عهد هخامنشی و اشکانی نیز می‌بینیم. زنان عموماً چادر به سر دارند و پیراهن‌های بلندی که تا مچ پای آنها را می‌پوشاند، به تن کرده‌اند (حداد عادل، ۱۳۵۹، ص ۲۵).

### ۱۳- حجاب زنان در دوره‌ی ساسانیان

اردشیر پسر بابک با استفاده از ضعف دولت اشکانیان سلسله‌ی ساسانیان را بنیاد نهاد و دین زردشت را دین رسمی کشور قرار داد. اوستا را ترجمه و آتشکده‌های ویران را بازسازی نمود. زنان در این دوره که احکام دینی زردشتیان در کشور اعمال می‌شده است همچنان دارای حجاب کامل بودند.

چادر که از دوره های پیش مورد استفاده ی بانوان ایران بوده است، در این دوره نیز به صورت های مختلف مورد استفاده بوده است.

حجاب زنان در این دوره چنان اهمیتی داشته که حتی لباس هنر پیشگان زن مانند لباس های بلند سایر بانوان تا پشت پا کشیده شده است.

لباس زنان دوران ساسانی را عموماً پیراهنی یکدست و بلند و پرچین تشکیل می داد که گاهی آن را با نواری در زیر سینه ها با کمی پایین تر جمع می کردند و می بستند. گاهی نیز قسمت انتهایی دامن را به وسیله ی پارچه ای اضافی پرچین و پرچین تر می دوختند. هر دوی این پیراهن ها آستین هایی بلند تا مچ دست ها و یقه ای گرد و ساده و نسبتاً بسته داشتند. نوع دیگری از این پیراهن های بلند را بر تن بانوی بادبزن به دست در بیشاپور می توان دید که از پارچه ای نسبتاً نازک و لطیف تهیه شده است و آستین هایی حلقه دار که رنگ آن آبی آسمان است، اما رنگ کمر بندی که به دور کمر و بر روی پیراهن (پایین سینه ها) بسته شده، نارنجی است.

نوعی بالا پوش دیگر نیز استفاده می شد که این بالا پوش به صورت قبایی بود که تا ساق پاها می رسید و یقه ای آن گرد و حاشیه دوزی شده بود و آستین های بلند داشت و معمولاً تمامی سطح لباس قیطان دوزی می شد. همچنین زنان شلواریها هم چون شلوار مردان به پا می کردند، این شلوارها همچون شلوار زنان دوره ی اشکانی بود، با این تفاوت که ساق های آن در دوره ی ساسانی بلندتر شده و به وسیله ی نوارهای کشی و چین دار کردن آن ها در جلوی ساق پا آن ها را به اندازه ی بلندی پای هر کسی در می آوردند. همچنین کمر و دمپای شلوار را نیز لیفه ای می ساختند و سپس آن را با بند جمع می کردند. همچنین زنان ساسانی از نوعی چادر استفاده می کردند که در دوران قبل نیز از آنان استفاده می شد (ایرانیکا، ۱۳۸۲، ص ۱۵).

لباسی که توسط زنان غیر درباری و غیر ربانی پوشیده می شد، شامل تونیک بلندی بود. این تونیک یا بدون کمر بند بود و آستین های بلندی داشت یا اینکه بی آستین بود و در زیر سینه ها با کمر بندی بسته می شد.

پوششی که بر روی تونیک پوشیده می شد، روی اعضای پایین بدن انداخته شده و از روی شانیه چپ رد می شد. این جامه در سده های ششم و هفتم میلادی هنوز متداول بوده است (همان، ص ۸۳).

آثار باقیمانده از دوره ی ساسانیان مانند طاق بستان در ۹ کیلومتری کرمانشاه و قصر شیرین، طاق کسری، طاق ایوان نشانی از عریانی و بی پروایی زن در آن دیده



نمی‌شد. زنان عهد ساسانی گاهی چادری گشاد و پرچین به سر می‌کردند که تا وسط ساق پا می‌رسیده است. نقوشی که از بانوان ساسانی در بشقاب‌های ساخته شده به تصویر درآمده، می‌نمایاند که هر یک از بانوان چادری به خود پیچیده‌اند (حمزه، ۱۳۸۵، ص ۱۳۴).

زنان قرن یکم میلادی ملبّس به حجایی بوده‌اند که سر و صورتشان را کاملاً پوشانیده است. در یک حجّاری مرمرین واقع در پالمیرا دیده می‌شود که در مجسمه‌های پالمیری متعلق به قرن دوم میلادی، حجاب سررا پوشانده، اما صورت باز و در معرض دید است (ایرانیکا، ۱۳۸۲، ص ۴۲۴).

در ایران باستان تمام زنان سرپوشی که تا روی مقداری از لباسشان را هم پوشانده بود، بر سر داشتند و این همان روسری یا حجایی است که زنان زردشتی حتی امروز هم برای رفتن به آتشکده از آن استفاده می‌نمایند (استاد ملک، ۱۳۶۷، ص ۱۷).

در اواخر سلسله‌ی ساسانیان به علت عیاشی و هرزگی خانوادگی سلطنتی و اعیان و اشراف کشور، وضعیت دیانت زردشتی و آلودگی موبدان به علت سیاست‌های درباری و عوامل دیگر و جنگ‌های مداوم ایران و روم، سیمای جامعه دگرگون گردید.

یکی از علت‌های پرده نشینی و حجاب شدید در بخشی از دوره‌ی ایران قدیم به عامل حکومتی و اجتماعی بر می‌گردد. چون شاه می‌خواست دختران زیبایی از هر طبقه و محلی را در اختیارش قرار دهند، به این دلیل خانواده‌ها سعی می‌کردند دختران و زنان خود را در خانه پنهان نمایند تا از هر گونه تجاوز و تحمیلی مصون بمانند. این عادت رفته رفته به صورت آیینی در دین درآمد که زنان باید خود را از جامعه دور بدارند. البته این کناره‌گیری آهسته آهسته جدایی اجتماعی زنان و مردان زردشتی را زیاده‌تر کرد. به نظر برخی نویسندگان حجاب شدید دوره‌ی ساسانی بدین سبب بوده است که تنها پوشیدگی زن نبوده، بلکه مخفی داشتن زن بوده است. چون خودسری درباریان به قدری بود که اگر کسی زن خوشگلی در خانه داشت، نمی‌گذاشت کسی از وجودش آگاه گردد و حتی الامکان او را پنهان می‌کرد؛ زیرا اگر معلوم می‌شد که چنین خانم زیبایی در خانه‌اش هست، دیگر مالک او و احياناً مالک جان خویش هم نبود.

آنان مجبور بودند خود را بپوشانند تا از طمع شاهزادگان و مردان باقدرت که می‌توانستند آنان را بربایند، در امان بمانند (استاد ملک، ۱۳۶۷، ص ۱۹).

زنان شوهر دار حق نداشتند هیچ مردی را ولو پدر یا برادرشان باشد، ببینند. ویل دورانت در مورد شدت حجاب و رواج آن می نویسد:

پس از داریوش مقام زن مخصوصاً در طبقه‌ی ثروتمندان تنزل پیدا کرد. زنان فقیر چون برای کار کردن ناچار از آمد و شد در میان مردم بودند، آزادی خود را حفظ کردند. در مورد زنان دیگر گوشه نشینی زمان حیض که برایشان واجب بود، رفته رفته امتداد پیدا کرد و سراسر زندگی اجتماعی شان را فرا گرفت و این امر خود مبنای پرده پوشی در میان مسلمانان به شمار می‌رفت. زنان طبقات اجتماع جرأت آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوش دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان آمیزش کنند. زنان شوهر دار حق نداشتند هیچ مردی را ولو پدر یا برادرشان باشد، ببینند (ویل دورانت، ۱۳۴۳، ج ۱، ص ۵۵۲).

از آنچه نقل شد، معلوم گردید در ایران به مرور حجاب سخت و شدیدی حکمفرما می‌گردد که گاهی زنان حتی به پدر و برادر خویش نیز نامحرم بوده‌اند.

#### ۱۴- نتیجه گیری

بخشی از فرهنگ و اخلاق خانوادگی ایرانیان قبل از ورود اسلام به این سرزمین در پوشش زنان این سرزمین ظهور و بروز دارد و پوشش زنان تحت تأثیر عوامل گوناگون اخلاقی، دینی، اجتماعی و حکومتی شکل یافته است. نوع لباس زنان در آن دوران‌ها از جنبه‌ی مشترکی (گشاد، پوشاننده‌ی بدن) برخوردار بوده است و مدت‌ها کم‌ترین تغییر در آن رخ داده است. حجاب در طبقه‌ی اشراف و حاکمان شدیدتر از حجاب زنان معمولی بوده است.

یک تن پوش رویی که تمام اندام‌ها را به طور کامل می‌پوشانده است، مورد استفاده‌ی زنان قرار می‌گرفته است که بی‌شبهت به چادر نبوده است، بنابر این چادر برای زنان علاوه بر اینکه در دوره‌ی اسلامی به عنوان حجاب اسلامی جایگاه خاصی پیدا کرده، پیشینه‌ی ملی و ایرانی نیز دارد.

#### یادداشت‌ها

1. Rivayat ; Hemid ; Aawahiât<sup>n</sup>
2. M<sup>a</sup>day<sup>n</sup> ; y<sup>o</sup>iât ; Friy<sup>a</sup>n
3. Hulriy<sup>a</sup>
4. y<sup>o</sup>ist
5. Axt

6. Plutarch
7. Stateira
8. Dascylium
9. Ergili

## کتابنامه

### الف: کتاب‌ها

۱. استاد ملک، فاطمه، (۱۳۶۷)، **حجاب و کشف حجاب**، تهران، مطبوعاتی عطایی، چاپ اول.
۲. آلبرماله، ژول ایزاک، (۱۳۴۵)، **تاریخ ملل شرق و یونان**، مترجم: هژیر، عبدالحسین، تهران، رشديه، چاپ اول.
۳. بیات، عزیرالله، (۱۳۵۵)، **کلیات تاریخ و تمدن ایران پیش از اسلام**، تهران، دانشگاه ملی ایران.
۴. پیرنیا، حسن، (۱۳۸۷)، **تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان**، تهران، انتشارات مجید، چاپ اول.
۵. جعفری، مرتضی و دیگران، (۱۳۷۳)، **واقعه‌ی کشف حجاب**، قم، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
۶. جعفریان، رسول، (۱۳۸۲)، **استان حجاب در ایران پیش از انقلاب**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۷. حداد عادل، غلامعلی، (۱۳۵۹)، **فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی**، تهران، سروش، چاپ اول.
۸. حمزه، عباس، (۱۳۸۵)، **حجاب در ادیان الهی**، قم، یاقوت، چاپ اول.
۹. چیت‌ساز، محمدرضا، (۱۳۷۱)، **تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله‌ی مغول**، تهران، سمت، چاپ اول.
۱۰. دزی، ر. آ. (۱۳۵۹)، **فرهنگ البسه‌ی مسلمانان**، مترجم: هروی، حسینعلی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۱. دورانت، ویلیام، (۱۳۴۳)، **تاریخ تمدن**، مترجم: آرام، احمد، تهران، اقبال، چاپ اول.
۱۲. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۴)، **روزگاران ایران یا گذشته‌ی ایران باستان**، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول.
۱۳. کامرون، جورج، (۱۳۶۵)، **ایران در سپیده‌دم تاریخ**، مترجم: انوشه، حسن، تهران، شرکت علمی و فرهنگی، چاپ اول.
۱۴. مشیر پور، محمد، (۱۳۴۶)، **تاریخ تحول لباس در ایران**، مشهد.
۱۵. نفیسی، سعید، (۱۳۸۳)، **تاریخ تمدن ایران ساسانی**، به کوشش: جریزه‌دار عبدالکریم، تهران، اساطیر، چاپ اول.
۱۶. ویل کاکس، روت ترننز، (۱۳۷۲)، **تاریخ لباس**، مترجم: بزرگمهر، شیرین، تهران، توس، چاپ اول.

۱۷. هرودت، (۱۳۶۲)، **تاریخ**، مترجم: مازندارانی، وحید، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
۱۸. یارشاطر، (۱۳۸۲)، احسان و دیگران، **پوشاک در ایران (ترجمه‌ی بخشی از ایرانیکا)**، مترجم: متین، پیمان، تهران، امیر کبیر، چاپ اول.
۱۹. یکتایی، مجید، (بی تا)، **تاریخ تمدن و فرهنگ**، تهران، گوتنبرگ.

**ب: مقالات**

- ۱- شهرزادی، رستم، **انجمن زرثیان ایران**، آبان، ۱۳۷۶ و سالنمای ۱۳۷۲.
- ۲- مقدس جعفری، محمدحسین، (۱۳۸۲)، **پوشش ایرانیان**، مجله‌ی مطالعات ایرانی، سال سوم، شماره‌ی پنجم، ص ۱۲۳ تا ۱۴۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی